

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 www.konkursara.com

 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

کنکورسرا

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش

در زبان عربی اسم از این نظر که برای شخص، شناخته شده باشد یا نباشد به دو گروه تقسیم می شود:

۱- اسم نکره

۲- اسم معرفه

اسم نکره: اسمی است که بر شخص ناشناس یا مکان یا چیزی نامشخص دلالت کند.

همه اسم های مشترک میان افراد (مرد، زن، معلم، دانش آموز و ...)، مکان ها (کشور، شهر، موزه، مدرسه و ...) و اشیا (کتاب، میز، خودرو، درخت و ...) که در عربی، مفرد، مثنی و جمع آن ها «ال» نداشته باشند، اسم نکره محسوب می شوند.

مثال: رَجُلٌ، مَدِينَةٌ، مَنْصَبَةٌ، تَلْمِيذَاتٌ، أَشْجَارًا، إِمْرَأَاتٍ، جَبَلَيْنِ، مُعَلِّمُونَ، طَالِبِينَ و

اسم معرفه: اسمی است که بر شخص یا مکان یا چیز شناخته شده و مشخص دلالت کند.

اسم مشترک دارای «ال» (الرَّجُلُ، الْأَشْجَارُ، الْإِمْرَأَاتُ، الْمُعَلِّمُونَ و ...) و اسم خاصی که فردی یا مکانی (عَلِيٌّ، فَاطِمَةٌ و ... یا ایران، دماوند و ...) با آن نامیده می شود در عربی معرفه محسوب می شود.

نکات

مهم ترین نشانه نکره بودن اسم های مفرد، تنوین « = » است. مثال: معلمٌ، جَبَلٌ و

به اسم دارای «ال»، معرفه به «ال» و به اسم خاص فارسی در زبان عربی، معرفه به «اسم علم» می گویند.

مثال: « أَلْبَيْتِ، الْفُرْصَةِ، الشَّعْبِ، الطِّفْلِ، الظَّالِمِ»: معرفه به «ال».

« حُسَيْنٌ، فَاطِمَةٌ، مَشْهَدٌ، الْبُرْزُ»: معرفه به «اسم علم».

نکته: علامت تنوین « = » در آخر بعضی از اسم های علم مذکر (عَلِيٌّ، مُحَمَّدٌ، حَسَنٌ، ...) دلیل بر نکره بودن آن ها نیست، بلکه معرفه هستند.

نکته: اگر اسم **عَلَم** با حرف « **آل** » (**الْقُرْآن، الحُسَيْن، الإِیرَان** و ...) بیاید، همان « **معرفه به عَلَم** » محسوب می شود.

اسم نکره به سه صورت ترجمه می شود:

اسم + **ی** (کتاباً: کتابی)

یک + اسم (رَجُلٌ: یک مرد)

یک + اسم + **ی** (اِمْرَأَةٌ: یک زنی)

مثال دیگر: جاء تَلْمِيذٌ. **یک** دانش آموز آمد / دانش آموزی آمد / **یک** دانش آموزی آمد.

تفاوت ترجمه اسم نکره با اسم معرفه به « **ال** »

جاء مُدَرِّسٌ. معلمی آمد. جاء المُدَرِّسُ. معلم آمد.

قَرَأْتُ كِتَابًا. کتابی را خواندم. قَرَأْتُ الْكِتَابَ. کتاب را خواندم.

ترجمه خبر وقتی اسم نکره باشد:

۱- اگر صفت نداشته باشد، خبر به شکل معرفه ترجمه می شود.

مثال: هُوَ تَلْمِيذٌ. او دانش آموز است. هذا كِتَابٌ. این کتاب است.

الْعِلْمُ كَنْزٌ. دانش گنج است.

۲- اگر صفت داشته باشد، یا خبر به شکل نکره (با « **یک** » در اول یا « **ی** » در آخر) یا صفت آن به شکل نکره (با حرف « **ی** » در آخر) ترجمه می شود.

مثال: هُوَ تَلْمِيذٌ نَاجِحٌ. او **یک** دانش آموز موفق (دانش آموزی موفق، دانش آموز موفقی) است.

هذا كِتَابٌ مَفِيدٌ. این یک کتاب مفید (کتابی مفید، کتاب مفیدی) است.

۳- اگر بعد از آن فعل باشد، خبر به شکل نکره (اغلب با حرف « **ی** » در آخر) ترجمه می شود.

مثال: شَجَرَةُ النَّفِطِ شَجَرَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ... درخت نفت **درختی** است که کشاورزان آن را به کار می گیرند. خبر و اسم نکره / فعل

۴- اگر همراه حرف جر « مِنْ » باشد و اسم تفضیل نباشد، خبر به شکل نکره (با حرف « ی » در آخر) ترجمه می شود.

مثل: هُوَ **طَالِبٌ مِنْ** طُلَّابِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ. او **دانش آموزی** از دانش آموزان این مدرسه است.
خبر/ حرف جر مِنْ

نکته: اگر در جمله، اسم **نکره** بیاید و در جمله بعد، همان اسم با **حرفِ « ال »** بیاید، در ترجمه می توان کلماتِ « **این** » یا « **آن** » را برای اسم « **ال دار** » به کار برد.

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا. **اسب هایی** را دیدم. **آن اسب ها** کنار صاحبانشان بودند.

سَافَرْتُ إِلَى مَدِينَةٍ. كَانَتْ الْمَدِينَةُ كَبِيرَةً جَدًّا. به **شهری** سفر کردم. **آن شهر** بسیار بزرگ بود.
اگر **اسامی پرندگان، حیوانات و درختان** با « **ال** » باشند، **معرفه** محسوب می شوند.

مثال: رَأَيْتُ **يَوْمَةً** فَوْقَ شَجَرَةٍ. **جغدی** را بالای درختی دیدم. رَأَيْتُ **الْيَوْمَةَ** فَوْقَ الشَّجَرَةِ. **جغد** را بالای درخت دیدم.

كَلَّمَ **أَسَدٌ ذَبَابًا**. **شیری** با **گرگی** صحبت کرد. كَلَّمَ **الْأَسَدُ الذَّبَابَ**. **شیر** با **گرگ** صحبت کرد.

در ترکیب اضافی :

۱- اگر **مضاف الیه**، اسم **معرفه** (اسم « **ال** » **دار** یا اسم **عَلَم** باشد، **مضاف** نیز اسم **معرفه** می شود.)
مثال: هَذَا **كِتَابٌ حُسَيْنٍ**. این کتابِ حسین است.

مضاف، **معرفه** / **مضاف الیه**، **معرفه** به **عَلَم**

جاءَ **مُعَلِّمٌ الْمَدْرَسَةَ**. معلمِ مدرسه آمد.

مضاف، **معرفه** / **مضاف الیه**، **معرفه** به «**ال**»

۲- اگر **مضاف الیه**، اسم **نکره** باشد، **مضاف** نیز اسمِ **نکره** می شود.

مثال: هذا کتاب تلمیذ. این کتاب دانش آموزی است.

مضاف، نکره / مضاف الیه، نکره

رأيتُ مُدیر مَدْرَسَة. مدیر مدرسه ای را دیدم.

مضاف، نکره / مضاف الیه، نکره

نکته: در ترکیب **اضافی**، **مضاف الیه** می تواند ضمیر متصل یا اسم اشاره (این دو از اسم های معرفه) هستند.

مثال:

جاءَ مُدیر ک: مدیر تو آمد.

مضاف، معرفه / مضاف الیه، معرفه به ضمیر

جاءَ مُدیر هذه المَدْرَسَة. مدیر این مدرسه آمد.

مضاف، معرفه / مضاف الیه، معرفه به اسم اشاره

نکته: اسم هایی مانند: « قبل، بعد، حول، وراء، خلف، أمام، فوق، تحت، جنب، بین، خلال، حین، عند » از اسم های **دائم الإضافة** هستند یعنی همیشه **بعد** از این اسم ها، **مضاف الیه** می آید ولی معرفه یا نکره بودنشان بستگی به مضاف الیه دارد.

أَلِکتابُ عِنْدَ الطَّالِبِ. کتاب نزد دانش آموز است.

مضاف، معرفه / مضاف الیه، معرفه به « ال »

أَلِکتابُ عِنْدَ طالِبٍ. کتاب نزد دانش آموزی است.

مضاف، نکره / مضاف الیه، نکره

نکته: کلمه **کُلٌّ** + اسم نکره نکره و به معنای « هر » است.

کلمه « کُلٌّ » + اسم معرفه معرفه و به معنای « همه » است.

جاءَ کُلُّ الطَّالِبِ. همه دانش آموزان آمدند. جاءَ کُلُّ طالِبٍ. هر دانش آموزی آمد.

مضاف، معرفه / مضاف الیه، معرفه به « ال » مضاف، نکره / مضاف الیه، نکره

نکته: اگر بعد از یک اسم معرفه به «ال»، اسم موصول (الَّذِي، اللَّذَانِ / اللَّذِينَ، الَّتِي، اللَّتَانِ / اللَّتَيْنِ، اللّٰتِي) به معنی حرف ربط «که» بیاید، اسم معرفه «ال» دار، به همراه «ی» ترجمه می شود.

مثال:

التَّالِمِيذُ الَّذِي يَجْتَهِدُ يَنْجَحُ. دانش آموزی که تلاش می کند، موفق می شود.
الأشجارُ الَّذِي تَنْبُتُ فِي الغَابَاتِ جَمِيلَةٌ جَدًّا. درختانی که در جنگل ها می رویند واقعاً زیبا هستند.